

## بررسی فقهی و حقوقی تغییر پذیری مهریه

سیاوش صابری<sup>۱</sup>، امیرمحمد افزادی<sup>۲</sup>، فرید قادری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد؛ واحد سمنان؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ ایران؛ سمنان

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد؛ واحد سمنان؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ ایران؛ سمنان

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد؛ واحد سمنان؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ ایران؛ سمنان

### چکیده

در سالهای اخیر تعیین مهریه های سنگین و غیر متعارف بصورت چشمگیر در حال افزایش است؛ و در حالی که مهریه باید به عنوان یک کارکرد مثبت موجب استحکام خانواده و نشان دهنده علائق مرد باشد موجب افزایش آمار طلاق شده است. این موضوع از ابعاد مختلف جامعه شناسی، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی است. از سویی در عصر کنونی، تعیین مهریه توسط زوجین شیوه های متفاوت یافته است؛ در بسیاری موارد زوجین ضمن عقد نکاح، مال معین و مشخصی را به عنوان مهریه تعیین می نمایند؛ زمانی دیگر حین عقد نکاح افزایش میزان مهریه از سوی زوج را در قالب شرط فعل و مشروط بر تحقق شرطی و یا در فاصله یا فواصل زمانی معین، شرط مینمایند؛ همچنان که افزایش آن در قالب شرط نتیجه و به نفس اشتراط نیز امکانپذیر است. گاهی نیز کاهش مهریه در قالب شرط فعل یا نتیجه، موضوع شرط قرار می گیرد. ضمن آنکه همواره امکان افزایش میزان مهریه، تبدیل و یا کاهش آن پس از عقد نکاح در نتیجه توافق زوجین فراهم است؛ همچنان که این احتمال وجود دارد که به هر دلیلی، زوجین حین انعقاد نکاح دائم، نسبت به مهریه موضع سکوت اختیار کرده یا تعیین آن را در آینده به اختیار هر یک از زوجین یا شخص ثالث واگذار نمایند. در تمامی این موارد، عرف جامعه توافقات مزبور را به رسمیت می شناسد و از آن با عنوان مهریه زوجه یاد می کند؛ رویه قضایی نیز در بسیاری موارد، آثار حقوقی مهریه را بر این توافقات مرتبط مینماید. دفترخانه های اسناد رسمی هم به موجب مقررات حاکم، قالب حقوقی خاصی را برای تنظیم سند رسمی مشعر بر چنین قراردادهایی پذیرفته اند و بر این اساس اقدام می نمایند.

واژه های کلیدی: عقد، عقد نکاح، مهریه، تغییر پذیری.

## ۱- مقدمه

تعیین مهریه برای زن در ازدواج دائم و موقت امری تاکیدی در اسلام بوده و خداوند در قرآن نیز به پرداخت مهریه به زنان تاکید فرموده است. علی رغم اینکه در اسلام بر استحباب مهریه کم و کراهت زیادی آن تاکید شده است در سالهای اخیر میزان مهریه افزایش زیادی پیدا کرده است از آنجایی که مهریه در نظام حقوقی خانواده از جایگاه ویژه ای برخوردار است و به عنوان یکی از حقوق مالی زن در جریان ازدواج، تاکنون کمتر مورد توجه منظرهای غیر حقوقی قرار گرفته است. به مهری که در حین عقد با توافق زوجین تعیین می شود، مهرالمسمی گویند که سقف محدودی ندارد و زوجین میتوانند هر مقدار که بخواهند مهر قرار دهند و از جهت حداقل هر چیزی که عنوان مال بران اطلاق شود و قابل تملک باشد می تواند مهریه قرار گیرد. روایات زیادی در باب استحباب مهریه کم وارد شده و سفارش شده که از مهرالسنة (پانصددرهم) تجاوز نشود ولی متأسفانه، با اینهمه سفارش ها، در سالهای اخیر تعیین مهریه های سنگین و غیرمتعارف بصورت چشمگیر در حال افزایش است؛ و در حالی که مهریه باید به عنوان یک کارکرد مثبت باید موجب استحکام خانواده و نشان دهنده علائق مرد باشد موجب افزایش آمار طلاق شده است. سیره قولی و عملی ائمه و بزرگان نیز همواره به این امر تاکید نموده و سبک بودن میزان آن را به عنوان یک هدیه از طرف مرد توصیه کرده اند؛ ولی در گذر زمان این نوع نگرش متحول شده و مهریه بطور بی رویه افزایش یافته و به یک مسأله اجتماعی تبدیل شده است. از این رو بررسی همه جانبه آن به منظور ریشه یابی مسأله و ارائه راه حل های ممکن ضروری است. در اسلام تعیین میزان مهریه با توجه به توانائی مرد و شأن زن و آداب و رسوم افراد مختلف به طرفین واگذار شده است. به بیانی دیگر مهریه از جمله حقوق مالی زوجه است که با وجود داشتن پیشینه های تاریخی، دین اسلام به آن ماهیت و عنوانی خاص داده و آن را مستقل از عقد نکاح در نظر گرفته است؛ به گونه ای که در فرض عدم تعیین مهریه یا تصریح به عدم تعلق مهریه، همچنان حق زوجه بر مهریه، به قوت خود باقی می ماند.

## ۲- تبیین بحث

خارج شدن مهریه از روند و کارکرد اصلی خود در سالهای پیشین و طرح دعاوی متعدد پیرامون آن در محاکم، حساسیت جامعه حقوقی و قضایی کشور را به قراردادهای مذکور و وضعیت حقوقی آن ها موجب شده است؛ در پی طرح شکایت در دیوان عدالت اداری مبنی بر غیرشرعی بودن قسمتی از بخشنامه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در خصوص امکان افزایش بعدی مهریه در قالب تنظیم اقرارنامه رسمی، دیوان در مقام کسب نظریه شورای نگهبان برآمد؛ این شورا مهریه شرعی را همان میزانی دانست که در ضمن عقد نکاح تعیین میشود. بر این اساس، افزایش مهریه پس از عقد نکاح را فاقد محمل شرعی دانست و ترتیب آثار مهریه بر آن را خلاف شرع تشخیص داد.<sup>۱</sup> هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مستند به همین نظریه، جزء مورد منازعه از بخشنامه مذکور را ابطال نمود.<sup>۲</sup> بر نظریه و رأی مذکور، آثار حقوقی بسیاری مرتبط می شود؛ مانند عدم شمول حق حبس زوجه نسبت به بخش مازاد مهریه<sup>۳</sup>، عدم شمول حکم تعیین مهریه متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه<sup>۴</sup>،

<sup>۱</sup> - نظریه شماره ۳۵۰۷۹/۳۰/۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲ "مهریه شرعی همان است که در ضمن عقد واقع شده است از دیدگاه مهر بعد از عقد شرعاً صحیح نیست و ترتیب آثار مهریه بر آن خلاف موازین شرع شناخته شد"

<sup>۲</sup> - دادنامه شماره ۴۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۶/۱۵ موضوع پرونده کلاسه ۵۱۶/۸۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح نظریه شماره ۳۵۰۷۹/۳۰/۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲ فقهای محترم شورای نگهبان... بنا براین جزء (ب) از قسمت ۱۵۱ بخشنامه های ثبتی که نتیجتاً مبین امکان افزایش مهریه به شرط تنظیم سند رسمی است، مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ان و ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال میشود.

<sup>۳</sup> - مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر شمول حق حبس زوجه نسبت به هر دو

قسم تمکین خاص و عام، برای اطلاعات بیشتر در این خصوص بنگرید به: درویش، ۱۳۸۹، ش ۷۲، ص ۱۱۹

<sup>۴</sup> - تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی.

عدم جریان احکام مربوط به تلف، مجهول شدن مهریه و یا مستحق للغير درآمدن آن<sup>۱</sup> و نیز احکام مربوط به میزان تعلق مهریه در فرض انحلال نکاح در نتیجه فسخ، طلاق و یا فوت یکی از زوجین.<sup>۲</sup> در این مقاله نگارنده قصد پاسخ به این سؤال را دارد که موارد فقهی و حقوقی تغییر پذیری مهریه شامل چه مواردی می شود؟ برای پاسخ به سوال فوق، نگارنده این فرضیه را راهنمایی کار مطالعاتی خود قرار داده است که از نظر فقهی و حقوقی در زمینه تغییر پذیری مهریه باید بیان کرد که می توان میزان مهریه را با توجه به اصول صحت و آزادی قراردادها، مقدورالتسلیم بودن، صحت رجوع به مابذل در طلاق خلع و مبارات و عدم رکن بودن مهریه در عقد نکاح دائم، قصد جدی داشتن در توافقات و عقلایی بودن، محدود به حدودی که مقدور و متعارف باشد نمود. هدف از طرح این پژوهش این است که تغییرپذیری مهریه به چه شکل بوده و مرجع رسیدگی به اعتراضات کدام مراجع می باشند. روش گردآوری اطلاعات و داده ها نیز کتابخانه ای و استفاده از منابع موجود بوده است. پیشینه: در ارتباط با موضوع موردنظر نگارنده، پژوهش های بسیاری صورت گرفته است اما هیچکدام از آن ها به طور اختصاصی در راستای این موضوع حرکت نکرده اند. در ادامه چند اثر را که با موضوع ارتباط بیشتری دارند ذکر می نمایم. اثراتی همچون شایسته (۱۳۹۱)، اقبالی (۱۳۸۷)، امیراحمدی (۱۳۸۸)، امامی (۱۳۷۲)، عرفانی (۱۳۸۷) از جمله آثاری است که بعنوان پیشینه این تحقیق می تواند لحاظ شود. ولی آنچه این پژوهش را از آثار نامبرده متمایز می کند و به عنوان نوآوری محسوب میشود، بررسی دقیق و نحوه تغییرپذیری مهریه و همچنین شناخت دقیق و بروز صلاحیت مراجع قانونی در خصوص رسیدگی به اعتراضات می باشد.

### ۳- مفاهیم کلیات

#### ۳-۱- مفهوم مهریه

در کتاب های فقهی افزون بر واژه مهریه، واژگان دیگری همانند؛ الصداق، الصداق، نحل، فریضه، کابین و... به کار رفته است؛ ولی مهریه رایج ترین واژه ای است که در روایات و اصطلاحات فقها و میان مردم کاربرد دارد. در دایرةالمعارف اسلام برای تعریف مهریه آمده است: «مهر از کلمه عبری موهار و از ریشه سریانی مهرا گرفته شده که به- معنای هدیه عروس است. مهریه معانی متفاوتی دارد: از جمله قیمت خرید، مترادف با صداق به معنای محبت و دوستی و هدیه ای که به طور داوطلبانه از طرف داماد پرداخت می شود. مرحوم دهخدا مهریه را به معنای کابین و دست پیمان دانسته است (دهخدا؛ ۱۳۷۷؛ ۱۴۸).

#### ۳-۲- مهریه در اصطلاح

مهریه در اصطلاح عبارت از چیزی است (مال معین یا چیزی که جایگزین مال باشد) که در زمان عقد نکاح از طرف مرد به زن داده می شود یا مرد، متعهد به پرداخت آن می شود. طبق تعریف دایرةالمعارف اسلام، مهریه در شرع اسلامی به معنای هدیه ای است که داماد باید هنگام عقد ازدواج پرداخت آن را به عروس متعهد گردد (عرفانی؛ ۱۳۸۷؛ ۲۴). فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم اسلامی، مهریه را هدیه ای می داند که مرد هنگام ازدواج به زن پرداخت می کند. این عمل بخشی از قرارداد ازدواج مسلمانان است و تحت هیچ شرایطی برگردانده نمی شود.

#### ۳-۳- مهریه از دیدگاه فقهای امامیه و قانون اساسی

فقهای امامیه مستند به برخی روایات وارده، مهر را هر آن چیزی می دانند که زوجین بر آن توافق نمایند؛ اعم از اینکه زیاده یا اندک باشد، زیرا خداوند صداق را واجب نموده است، بدون آن که برای آن حداقل یا حداکثری قرار دهد. فقهای مذکور مهریه را از ارکان نکاح دائم ندانسته، بر این باورند که عدم تعیین مهریه در حین نکاح، شرط عدم تعلق مهریه، بطلان مهریه و تفویض تعیین مهریه به صحت نکاح خللی نمی رساند و در تمامی این فروض، زوجه مستحق مهریه است. قانونگذار ایران نیز بدون ارائه

<sup>۱</sup> - ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی

<sup>۲</sup> - مواد ۱۰۹۳ و ۱۱۰۱، ۱۰۹۲، ۱۰۸۸ قانون مدنی.

تعریفی از مهریه، مواد متعددی از قانون مدنی را به مهر، اقسام، احکام و آثار آن اختصاص داده است. نویسندگان حقوق هم با تبعیت از این رویه مقنن، اغلب به تفصیل و تشریح موضوعات مذکور بسنده نموده اند. با این وجود برخی از ایشان در مقام تعریف مهر، آن را مالی دانسته اند که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن می شود (کاتوزیان؛ ۱۳۸۸؛ ۱۳۸) و به تعبیر دیگر، «آن را مال معینی میدانند که بر سبیل متعارف، زوج به زوجه در عقد نکاح میدهد یا به نفع زوجه بر ذمه میگیرد» (جعفری لنگرودی؛ ۱۳۸۶؛ ۷۰۲). از این تعاریف نیز انحصار مهریه به آنچه در حین عقد نکاح تعیین می شود، برداشت نمی شود؛ همچنان که در عبارات بعدی ایشان شمول عنوان مهریه، بر مال تعیین شده پس از عقد نکاح نیز مورد تصریح قرار گرفته است (محقق داماد؛ ۱۳۹۰؛ ۳۰۰).

#### ۴- مقدار مهر در فقه و حقوق

##### ۴-۱- مقدار مهر در فقه امامیه

در فقه امامیه دو نظر در خصوص مقدار مهریه موجود است:

الف- برخی بر این عقیده اند که میزان مهر نباید بیشتر از مهرالسنه یعنی پانصد دینار باشد. اینان در توجیه ادعای خود ضمن استناد به روایت مفضل از امام جعفر صادق (ع) که می گوید از حضرت در مورد مقدار مهریه ی زن که نباید از آن تجاوز گردد سؤال کردم. ایشان فرمودند: «سنت محمدی ۵۰۰ درهم است پس کسی که بیشتر از آن مهریه تعیین کند، به سنت پیامبر بازگشت داده می شود و ملزم به پرداخت بیش از ۵۰۰ درهم نیست»، چنین استدلال می کنند چون سنت حضرت رسول (ص) بر این بوده که مهریه ی زنان خود را ۵۰۰ درهم قرار دهد و با توجه به اینکه مهر هم تابع احکام شرع است، پس در صورتی که مهریه بیشتر از آنچه گفتیم تعیین شود، چون اجماعی بر اینکه مازاد جزء مهریه تلقی شود وجود ندارد و دلیل شرعی دیگری نیز در این خصوص نیست، نفی زیاد از ۵۰۰ درهم واجب می شود (موسوی بجنوردی؛ ۱۳۸۹؛ ۱۲۴).

ب- برخلاف این نظر که اقلیتی از فقهای امامیه به آن قائل اند، اکثر فقهاء شیعه عقیده دارند که برای مهریه حداکثری وجود ندارد. دلایل ایشان برای اثبات این ادعا بدین شرح است:

اول قرآن، آیه بیستم سوره ی نساء می فرماید: «و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آیتیم قنطارا فلا تأخذوا منه شیئا. أتأخذونه بهتانا و اثما مبینا»؛ «اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده اید، نباید چیزی از مهر او را پس بگیرید. آیا با تهمت زدن به زن مهر او را می گیرید؟ و این گناهی آشکار است». منظور از قنطار مال عظیم است و اینکه خداوند فرموده است که مهریه ی زنان را اگر بسیار زیاد هم باشد بپردازید، دلالت بر آن دارد که برای تعیین مهریه حد و مرزی وجود ندارد. چرا که اگر غیر از این بود، خداوند پرداخت مهریه را تا حد معین واجب می فرمود و بدین صراحت مرد را از باز پس گیری مهریه ای که تعیین کرده صرف نظر از میزان آن منع نمی فرمود.

علی رغم اعتقاد اکثریت فقها بر محدود نبودن مهر ایشان به استناد احادیثی از معصومین (ع)، از جمله روایتی از امام باقر (ع) که فرمود: «من برکه المراه قلت مهرها و من شؤمها کثرت مهرها»؛ «از برکت زن کمی مهر او و از شومی وی کثرت مهر اوست» همچنین روایتی از حضرت رسول (ص) که فرمود: «افضل نساء امتی جیادا اقلهن مهرها»؛ «بهترین زنان امت من زانی هستند که کمترین مهر را دارند»، قائل به کراهت مهر زیاد و استحباب مهر کم هستند و تأکید می کنند بهتر است زنان با اتکاء به سنت حضرت رسول (ص) در تعیین مهریه سخت گیری نکنند. اما در هر حال در فقه امامیه میزان مهریه با محدودیت همراه نیست و طرفین می توانند هر میزان مهری که بخواهند برای زن تعیین نمایند (عرفانی؛ ۱۳۸۷؛ ۷۸).

##### ۴-۲- مقدار مهر در فقه اهل سنت

برخلاف اینکه اقلیت فقهای شیعه به محدودیت مهریه قائل اند، در کلیه ی مذاهب اهل سنت فقها بر فقدان حداکثری مهریه متفق القول اند. همه ی فقهای اهل سنت معتقدند، نه تنها هیچ دلیلی نه در قرآن و نه در سنت بر محدودیت میزان مهریه وجود ندارد؛ بلکه دلایلی موجود است که به زوجین اختیار می دهد میزان مهریه را با تراضی به هر مقدار که مایل اند تعیین کنند.

دلیل قرآنی ایشان همان آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء است که اکثریت فقهای شیعه به آن استناد کرده اند و دلیل نامبردگان از سنت نیز روایتی از خلیفه‌ی دوم است که ایشان با دیدن زیاده‌روی مردم در تعیین میزان مهریه تصمیم گرفت میزان مهریه را مشخص و مقرر کند که هیچ‌کس حق تجاوز از این میزان را نداشته باشد تا اینکه امکان ازدواج آسان فراهم شود. هنگامی که مردم را به این امر دعوت کرد، زنی وی را مخاطب قرار داده و اظهار نمود: «تو در حالی که خداوند که می‌فرماید: "و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آیتیم قنطارا فلا تأخذوا منه شیئا، تأخذونه بهتانا و اثما مبینا" را تلاوت می‌کنی، چنین حکمی را صادر نمایی. « با این اوصاف فقهای اهل سنت نیز مانند فقهای شیعه به استناد روایاتی از حضرت رسول (ص) که فرمودند: «بهترین مهریه، کم‌ترین آن است» یا «با برکت‌ترین نکاح، کم‌مهرترین آن است»، بر استحباب کم بودن مهریه تأکید کرده و مهریه‌ی زیاد را مکروه می‌شمارند (امیر احمدی؛ ۱۳۸۸؛ ۴۵).

#### ۴-۳- مقدار مهر در حقوق موضوعه

قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۰۸۰ قانون مدنی از نظریه‌ی مشهور فقها تبعیت کرده و مقرر داشته است تعیین مهر منوط به تراضی طرفین است. بنابراین مطابق این ماده، محدودیتی در تعیین مقدار مهریه وجود ندارد و مهم رضایت طرفین بر مهریه است. بر همین اساس، در عمل، زوجین بر مهریه‌های سنگینی توافق می‌کنند که اکثر اوقات مرد قدرت بر تسلیم آن را ندارد.

#### ۵- بررسی علل تغییر پذیری میزان مهریه پس از عقد نکاح

به استناد ادله متعددی می‌توان جواز توافق زوجین مبنی بر تغییر و افزایش میزان مهریه را نتیجه گرفت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

##### ۵-۱- اصول صحت و آزادی قراردادها

به هنگام بروز احتمال مبنی بر اخلال در معامله، اعم از اخلال در شرایط عقد، شرایط متعاقدين و یا عوضین، اصل صحت جریان می‌یابد (موسوی بجنوردی؛ ۱۳۸۹؛ ۲۹۲). در فرض حاضر نیز در صورت بروز تردید در خصوص صحت و یا فساد افزایش میزان مهریه پس از عقد نکاح، باید حکم به صحت آن داد. افزون بر آنچه گفته شد، اصل آزادی اراده نیز اقتضای آن را دارد که هرگاه الزامی از الزامات قانونی، مانع اعمال اراده فرد نشود، اراده او در فعل و یا ترک آن نافذ بوده، از نظر قانونی قابل ترتیب اثر باشد؛ اعم از آنکه در عقود و قراردادها باشد یا ایقاعات و یا غیر اینها باشد (جعفری لنگرودی؛ ۱۳۸۱؛ ۲۴). بنابراین به جهت سکوت قانون در خصوص حکم قضیه، حکومت اراده طرفین در صورت اجمال و یا سکوت قانون، تکمیلی بودن قواعد حاکم بر آثار قراردادهای مالی و رکن نبودن مهریه در عقد نکاح، باید بر این باور بود که توافق طرفین نکاح مبنی بر افزایش میزان مهریه، با قوانین امری، نظم عمومی، اخلاق حسنه و به طور کلی محدودیتهای اصل حاکمیت اراده میبایستی ندارد (عظیمیان؛ ۱۳۸۸؛ ۴۷).

##### ۵-۲- عدم رکن بودن مهریه در عقد نکاح دائم

مهریه از جمله ارکان عقد نکاح دائم نبوده و لذا توافق زوجین مبنی بر عدم تعلق مهریه به زوجه، افزایش میزان مهریه و یا کاهش آن به صحت عقد نکاح خللی نمی‌رساند. بر این اساس، حداقل از میان فروض مختلف، اشتراط زوجین در حین عقد نکاح مبنی بر تغییر بعدی میزان مهریه و نیز اشتباه زوجین نسبت به مهریه و آنگاه توافق بعدی ایشان نسبت به مهریه ای جدید را باید محمول بر صحت دانسته و آن را مشمول عنوان مهریه تلقی نمود.

##### ۵-۳- صحت رجوع به مابذل در طلاق خلع و مبارات

قانونگذار ایران با تبعیت از آراء فقهای امامیه امکان رجوع زوجه به مابذل را در ایام عده طلاق خلع و مبارات به رسمیت شناخته است. با بذل مهریه، عمل حقوقی ابراء و یا هبه محقق شده، دیگر عنوانی با نام مهریه باقی نمی‌ماند؛ با این وجود امکان رجوع زوجه به مهریه حکایت از آن دارد که اصل مهریه قابلیت احیا دارد؛ به قیاس اولویت، اجزای مهریه و قراردادهای

خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد افزایش و کاهش آن نیز دارای چنین قابلیت است (عظیمیان؛ ۱۳۸۸؛ ۴۷).

#### ۶- بررسی تغییر پذیری در مهریه

حال که مشخص گردید، امکان تغییر احکام در صورت ضرورت و یا تغییر موضوع در اثر تحولات اجتماعی وجود دارد، و با توجه به اینکه مطابق اصل چهارم قانون اساسی همه‌ی قوانین موضوعه باید مطابق شرع باشد و قوانین مربوط به مهریه نیز از این اصل مستثنی نیست، باید دید تأثیر تحولات اجتماعی در مهریه موضوع آن را تغییر داده یا وضعیت موجود باعث به خطر افتادن مصلحت جامعه‌ی اسلامی است تا مجوزی برای ورود حاکمیت جهت تغییر در قوانین مربوطه به عنوان حکمی شرعی گردد؟ در پاسخ باید گفت بی‌شک در سال‌های اخیر، تحولات اجتماعی هم بر نوع مهریه و هم بر میزان آن تأثیرگذار بوده است. قبلاً، مهریه‌ها به صورت پول نقد یا آب و ملک کشاورزی تعیین می‌شد اما اکنون در بیشتر موارد سکه‌ی طلا، سفر حج تمتع و عمره و تعهداتی از این دست به عنوان مهریه تعیین می‌گردد. میزان مهریه نیز روزبه‌روز در حال افزایش است. به طوری که مبنای تعیین آن تا سال تولد زوجه یا سال انعقاد عقد هم پیش رفته و برخی نیز به سال شمسی بسنده نکرده و تاریخ وقوع به سال میلادی را که بیشتر از سال شمسی است مبنای تعیین میزان نفقه قرار می‌دهند. به هرحال این واقعیتی است که خانواده‌های مسلمان ایرانی بر خلاف روایات متعدد مبنی بر استحباب در تعیین مهریه‌ی کم و کراهت در افزایش مهریه این توصیه‌های دینی را نادیده انگاشته و به راه خود می‌روند.

علاوه بر تحولات اجتماعی قانون‌گذار نیز در سال ۱۳۷۷ با تصویب قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی و در ماده‌ی ۲ آن پیش‌بینی کرده است که مستنکف از پرداخت بدهی قابل بازداشت است. با توجه به اینکه مهریه هم بدهی مرد به زن محسوب می‌گردد، این امکان برای زنان ایجاد شده که با طرح دعوای مطالبه‌ی مهریه و صدور حکم از دادگاه درخواست بازداشت مرد را بنماید. این تحولات اجتماعی و قانونی سبب شکل‌گیری دو باور در ذهن برخی شده است؛ اول اینکه وجود مهریه‌های سنگین باعث روگردانی جوانان از ازدواج در نتیجه باز ماندن دختران از ازدواج، یأس و ناامیدی و به دنبال آن زوال نشاط در جوانان و از بین رفتن روحیه‌ی فعالیت و تلاش در آنها شده و این امور فساد را در جامعه گسترش داده است (گرچی؛ ۱۳۸۴؛ ۲۴۸). دوم اینکه به علت وجود قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی و اعمال آن به تقاضای زنان، مردان زیادی بازداشت شده و این امر هم تبعات منفی در جامعه ایجاد کرده است. لذا دخالت قانون‌گذار در این امور را پیشنهاد کرده و معتقدند قانون‌گذار باید میزان مشخصی از مهریه را تعیین کرده و مرد را از اعمال ماده‌ی ۲ قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی در خصوص مازاد بر این مهریه معاف نماید (گرچی؛ ۱۳۸۴؛ ۲۵۰). به نظر هر دو باور اشتباه است؛ اولاً علت عمده‌ی بی‌ رغبتی جوانان برای ازدواج وجود مهریه‌های سنگین نیست، بلکه فقدان اشتغال و مشکلاتی است که آنها برای هزینه‌ی ازدواج، تهیه‌ی منزل و پس از آن تأمین هزینه‌های زندگی مشترک دارند؛ با توجه به اینکه اکثر جوانان به دنبال طی مدارج عالی تحصیلی هستند و این امر سال‌های متمادی به طول می‌انجامد، و در زمان تحصیل هم خود جوانان و هم خانواده‌های آنان به دلیل محدودیت‌های مالی و همچنین ممانعت ازدواج از پیشرفت تحصیلی تمایلی به ازدواج نشان نمی‌دهند. پس از پایان تحصیلات عالی نیز خدمت سربازی مانع ازدواج بوده و حدود دو سال ازدواج را به تأخیر می‌اندازد. جوانی که از خدمت سربازی باز می‌گردد، شخصی است که صرفاً مدرکی دارد و باید به دنبال کاری درخور باشد. اگر چنین شخصی خوش شانس باشد و بتواند بلافاصله به کار مشغول شود، برای تأمین هزینه‌های ازدواج و ودیعه‌ی مسکن آینده‌ی خود باید چند سال کار کرده و پس‌انداز نماید. بنابراین میزان مهریه‌ی ای که فقط در سند نکاحیه ثبت می‌شود نه زن هنگام انعقاد نکاح قصد گرفتن آن را دارد و نه مرد قصد دادن آن را، نمی‌تواند مانع عمده‌ای برای طلاق باشد، زیرا مرد از این حیث هیچ فشار مالی را تحمل نمی‌کند که باعث انصراف وی از ازدواج شود.

ثانیاً، اگرچه ماده‌ی ۲ قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی بازداشت بدهکار مستنکف از پرداخت بدهی و از جمله مرد مستنکف از پرداخت مهریه را مجاز می‌داند. ماده‌ی ۱۸ و ۱۹ آئین‌نامه‌ی همین قانون اجازه داده مرد با اثبات اعسار خود از پرداخت محکوم‌به بازداشت نشود. در عمل نیز رویه بر آن است که دادگاه‌ها با تقدیم دادخواست اعسار از طرف مرد، اقدام به

تقسیم مهریه کرده و با توجه به وضعیت مالی مرد وی را به پرداخت مبلغ ماهیانه‌ی ناچیزی به زن ملزم می‌کنند. بنابراین کم یا زیاد بودن مهریه، تأثیری در اعمال یا عدم اعمال ماده‌ی ۲ قانون فوق‌الذکر ندارد. به عبارت دیگر وقتی پرداخت مهریه تقسیم می‌شود، تفاوت چندانی نمی‌کند که مهریه یک‌صد سکه بهار آزادی باشد یا پانصد سکه یا بیشتر مهم این است که تقسیم مهریه باعث معافیت مرد از حبس شده و این مشکل به صورت کاملاً قانونی رفع می‌گردد.

با عنایت به نکات فوق آیا آزادی زوجین در تعیین میزان مهر مصلحت جامعه را به خطر انداخته که ضرورت دخالت قانون‌گذار را جهت تحدید اراده‌ی زوجین در تعیین مهریه یا ایجاد راه‌های فرار از انجام تعهد به صورت قانونی برای مردان، ایجاب نماید؟ یا اینکه آیا تغییر مقتضیات زمان و مکان باعث تغییر موضوع یا متعلق حکم مهریه و آزادی طرفین عقد نکاح در تعیین میزان آن می‌شود؟ به نظر می‌رسد، از آنجا که هیچکدام از موارد مذکور اتفاق نیفتاده، تغییر حکم فاقد وجهت به نظر می‌رسد. استدلال دیگر این است که چون یکی از شرایط صحت مهر مقدورالتسلیم بودن آن است و مهریه‌های سنگینی که اکنون برای زوجه تعیین می‌گردد، به علت عدم تمکن مالی مرد مقدورالتسلیم نیست، لذا برای صحت توافق مهریه باید آن را محدود نمود. این استدلال هم مخدوش است زیرا با فرض قبول مقدورالتسلیم نبودن مهریه‌های سنگین تعیین شده قانون‌گذار بطلان مهریه را به عنوان ضمانت اجرای آن تعیین کرده است. لذا نیازی به دخالت مجدد قانون‌گذار جهت تحدید مهریه احساس نمی‌گردد. البته همه‌ی اینها مانع از آن نیست که کار فرهنگی گسترده در خصوص تقلیل مهریه انجام شود و سنت نبوی هرچه بهتر در جامعه پیاده گردد. هرچند که در لایحه مورد بحث نیز، نسبت به محدودیت اراده‌ی طرفین جهت تعیین مهریه ماده‌ای موجود نیست اما محدودیت‌هایی که برای الزام مرد به انجام تعهد در این قانون ایجاد شده است دفاع کردنی نیست.

#### ۷- تغییر پذیری میزان مهریه در قوانین موضوعه و رویه قضایی

امکان تغییر در میزان مهریه، موضوعی است که در قانون مدنی از آن ذکری به میان نیامده است؛ همچنانکه نویسندگان حقوق نیز چندان به آن نپرداخته‌اند. با این وجود، به لحاظ طرح دعوی بسیار در محاکم پیرامون مهریه و تغییرات صورت گرفته در آن، موضوع مذکور در رویه قضایی کشور انعکاس بسیار داشته و مواضع متفاوتی در خصوص آن اتخاذ شده است. برخی محاکم با این استدلال که مهریه شرعی همان است که در ضمن عقد نکاح مقرر شده، دعوای مطالبه مازاد بر مهریه را محکوم به رد میدانند؛ در مقابل، برخی به استناد حکومت اراده طرفین عقد، عدم مخالفت چنین توافقاتی با موازین شرعی، قوانین موضوعه و مقررات دولتی و ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک که مدلول کلیه اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول را بدون احتیاج به حکمی از محاکم لازم الاجرا می‌داند، دعوای خواهان را مسموع دانسته، زوج را به پرداخت مهریه مذکور، محکوم می‌نمایند.<sup>۱</sup>

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در خصوص این موضوع نظرات متعددی ابراز داشته است؛ گاه با این استدلال که نکاح عقدی لازم است و موارد انحلال آن، مشخص و محدود می‌باشد، تغییر میزان مهریه را فقط در صورت انعقاد عقد نکاح جدید امکانپذیر دانسته و تغییر در مهریه را بدون جریان احکام مهریه، مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی دانسته است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - دادنامه شماره ۱۱۷۹ مورخ ۸۴/۲/۳۱ صادره از شعبه بیست و هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در نقض دادنامه شماره ۱۵۲۲ مورخ ۸۳/۷/۲۷. ... مستند به ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک که حسب آن قضات محاکم مکلف به رعایت مفاد اسناد رسمی هستند و مطالبه کامل مهریه از حقوق مسلم زوجه به موجب سند رسمی لازم الاجرا از ناحیه زوج خواهد بود و یکی از آثار عقد نکاح مطالبه مهریه بوده که مقدار آن توافقی بوده و حتی بعد از عقد نکاح و تا زمانی که عقد نکاح باقی بوده کم و یا زیاد بودن آن توافقی است و هیچ‌گونه منع قانونی نداشته لذا با توجه به مراتب فوق اعتراض تجدیدنظر را وارد دانسته و ضمن نقض آن دادنامه را... زوج مستند به ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی ملزم به پرداخت... به موجب سند رسمی محکوم مینماید.

<sup>۲</sup> - نظریه مشورتی شماره ۷۱۰۶ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۶ اداره حقوقی قوه قضائیه "چون نکاح عقدی لازم و جز به طریق پیشبینی شده در قانون قابل انحلال یا فسخ نیست لذا نمیتوان مقدار مهر مقرر در حین عقد را تغییر داد مگر در صورت نکاح جدید اما زوج هر زمان میتواند رأساً یا با توافق زوجه تعهد نماید که هنگام طلاق یا عندالمطالبه مبالغی اضافه بر مهر به زوجه بپردازد؛ همچنان که زوجه نیز میتواند از تمام یا قسمتی از مهرش گذشت نماید یا آن را ببخشد. بدیهی است هر نوع توافقی که زوجین در خصوص پرداخت زاید بر مهرالمسمی یا عدم دریافت تمام یا قسمتی از آن بنمایند مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی بوده و برای طرفین و قائممقام آنان لازمالوفاء است اما مقررات راجع به نرخ محاسبه مهر تنها شامل مهرالمسمی است نه مبلغ زائد بر مهرالمسمی که بعداً با توافق طرفین در عقدنامه اضافه شده است

این عقیده در حالی است که با توجه به فرع بودن مهریه در عقد نکاح، مشخص نیست که چگونه و به چه استنادی اداره یاد شده، هر گونه تغییر در میزان مهریه اعم از افزایش یا کاهش آن را منوط به انحلال عقد نکاح و انعقاد عقد جدیدی دانسته است، زمانی دیگر، بدون توسل به استدلالی خاص، اقدام بعدی طرفین نکاح به افزایش میزان مهریه را مشمول مقررات مهریه مندرج در قانون مدنی ندانسته است.<sup>۱</sup>

#### ۸- افزایش میزان مهریه در مقررات ثبتی و رویه دفاتر اسناد رسمی

بر خلاف کاهش میزان مهریه که در دفاتر اسناد رسمی در قالبهای حقوقی متفاوتی چون اقرار، ابراء، صلح، هبه و بذل صورت میگیرد، مستندسازی افزایش مهریه از تنوع قالب کمتری برخوردار است؛ زیرا ابراء و بذل اختصاص به کاهش مهریه داشته، هبه نیز دارای قواعد خاص موضوع ماده ۹۷۵ قانون مدنی و مواد بعدی آن است. با توجه به عرف و رویه حاکم، به طور معمول زوجین سند اقرارنامه را برای افزایش میزان مهریه پیشنهاد می دهند؛ این موضوع مورد استقبال دفاتر اسناد رسمی نیز قرار گرفته است (اقبال؛ ۱۳۸۷؛ ۵۵).

باید توجه داشت که مجموعه قوانین و مقررات ثبتی حاکم بر افزایش بعدی میزان مهریه متفاوت است؛ به گونه ای که شاید در وهله نخست، نتوان به حکم ثابتی در این خصوص دست یافت؛ این در حالی است که با توجه در کلیت و مجموع آن ها و با لحاظ روح حاکم بر این قوانین و مقررات، تلقی مبلغ مازاد به عنوان مهریه مستفاد است.

به موجب قسمت (ب) از بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه های ثبتی تا اول مهرماه ۱۳۶۵ چنانچه به علل مختلف زوج در مقام ازدیاد مهریه زوجه برآید، این عمل باید به موجب اقرارنامه رسمی صورت گیرد که در دفترخانه اسناد رسمی به ثبت میرسد. بنابراین، گاهی زوجین با تنظیم اقرارنامه ای رسمی، بروز اشتباه در میزان مهریه را مدعی شده، بر آن اقرار مینمایند. در واقع، چنین اقرارنامه ای محملی است برای تصحیح اشتباه ادعایی. به عنوان مثال می توان به پرونده مهریه اشاره داشت که در این مورد خواهان آقای م. م به و وکالت آقای ا. ح. خطیب زاده خواستار به طرفیت (خوانده) خانم م.ا به وکالتی آقای م. ح. دریانی خواستار ابطال سند شماره ۱۳۷۸ مورخه ۱۲/۲۶/۱۳۷۷ تنظیم شده در دفتر خانه اسناد رسمی حاوی اقرار به ازدیاد مهریه خوانده به میزان ۱۳۱۳ عدد سکه بهر آزادی و ابطال سند اقرار نامه مبنی بر دریافت یکدستگاه آپارتمان در قبال بذل ۲۵۰ عدد سکه بهار آزادی بدین توضیح که خواهان اظهار داشته خوانده همسر دائمی این جانب است با مهریه ۱۴ سکه بهار آزادی بعد از ازدواج همسر در خواست نمود مهریه ایشان را به ۱۳۱۳ عدد سکه افزایش دهد و خواهان به اتفاق همسرش به دفتر خانه مراجعه نموده و توافق طرفین به شرح مزبور را رسمی نموده و سند مزبور تنظیم شد. ... برای این اساس خوانده تقاضای ابطال سند را باتوجه به نظر شورای نگهبان در مورد ازدیاد مهریه را نموده و منزل مسکونی را هم که در قبال دویست و پنجاه سکه به همسرش داده بود را (که به قول خوانده همسرش حق چینی مهریه ای را نداشته) و تقاضای ابطال آن را داشت. ... رای دادگاه پس بررسی اسناد طرفین به صورت شد که خواهان در خواسته اول مبنی بر ابطال ۱۳۱۳ سکه که بعداً افزایش یافته بود محق می باشد که با توجه به استناد به اصل چهارم و ۱۶۷ قانون اساسی حکم به ابطال سند تنظیم شده در دفترخانه را صادر کرد ولی در خصوص خواسته ردیف دوم که مربوط به یکدستگاه آپارتمان ۲۵۰ متری غیر محق دانسته شد و به استناد ماده قانون آیین دادرسی حکم بر بیحقی خواهان صادر می کند. گاهی نیز زوجین بدون ادعای بروز اشتباه، در نتیجه توافق و در قالب تنظیم اقرارنامه مذکور، میزان مهریه را افزایش میدهند.

(شهری؛ ۱۳۸۸؛ ۶۷۷) همچنین است نظریه مشورتی شماره ۱۱۸۷/۷ مورخ ۱۳۷۶/۷/۶ این اداره که تقریباً با الفاظی مشابه متضمن حکم نظریه قبلی است (میرزایی؛ ۱۳۸۹؛ ۲۸۴).

<sup>۱</sup> - نظریه مشورتی شماره ۷/۶۲۴ مورخ ۸۲/۲/۱۹ اداره حقوقی قوه قضاییه " چنانچه در عقد دائم، مهریه با تراضی طرفین عقد تعیین شده باشد، نکاح و مهریه صحیح محقق گردیده است و اقدام بعدی طرفین به افزایش میزان مهریه پس از گذشت ۵ سال، هر چند عنوان این تراضی و تعهد را مهریه گذاشته باشند، مشمول مقررات مهریه مندرج در قانون مدنی نیست (میرزایی؛ ۱۳۸۹؛ ۲۸۵).



اینکه افزایش میزان مهریه، به هر دلیل که باشد، در قالب تنظیم اقرارنامه رسمی صورت میگیرد، آن را مشمول حکم ماده ۹۲ قانون مذکور قرار میدهد. بنابراین، با تنظیم سند رسمی، مدلول آن بدون احتیاج به حکمی از محاکم لازم الاجراست. بنابراین در نظام حقوقی ایران همواره اصل آزادی اراده و آزادی قراردادهای در تعیین میزان مهریه از سوی زوجین به رسمیت شناخته شده است؛ امری که دارای پشتوانه فقهی نیز میباشد؛ عرف جامعه نیز این امر را به مرحله پس از وقوع عقد نیز تسری داده و تمامی تغییرات صورت گرفته در مهریه اعم از افزایش و یا کاهش آن را با همان عنوان مهریه پذیرفته است؛ نتیجه ای که در اسناد رسمی تنظیمی در این خصوص پذیرفته شده و در بسیاری از آراء صادره نیز موضوع حکم قرار گرفته است. با این وجود، خروج مهریه از کارکرد حقیقی خود و افزایش نامتعارف میزان مهریه در بسیاری از موارد، حساسیتهایی را در خصوص میزان تعیینی مهریه ها و نیز موارد افزایش مهریه پس از عقد نکاح برانگیخته است. غیرشرعی دانستن مبلغ مازاد بر مهریه توسط شورای نگهبان و به تبع آن صدور حکم از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال آن قسمت از بخشنامه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که امکان افزایش میزان مهریه را در قالب تنظیم اقرارنامه رسمی تجویز نموده بود، پرسشها و ابهام های بسیاری را در خصوص ماهیت این قراردادها موجب شده است. با تمامی این اوصاف باید توجه داشت که وجود اختلاف نظر در آراء فقهای معاصر در حکم این قضیه و مذاقه در مبنای استدلال برخی فقهای مخالف و توجه به اصولی چون آزادی اراده و آزادی قراردادهای و اصل صحت همگی میتواند مؤیدی باشد برای حکم به صحت چنین قراردادهایی و ترتب آثار مهریه بر آنها. افزون بر آنکه حتی اگر تمامی مصادیق و فروع چنین قراردادهایی مشمول عنوان مهریه تلقی نشود، حداقل باید شمول مدلول حکم دیوان عدالت اداری را به آن بخش از قراردادهایی دانست که منحصرآ افزایش میزان مهریه را پس از عقد نکاح و با فرض صحت مهریه نخستین موجب میشود و الا مواردی مانند اشتباه در میزان مهریه و یا باطل بودن مهریه تعیینی و آنگاه تعیین مهریه جدید از سوی هر یک از زوجین را باید از شمول این حکم خارج دانست و همچنان آنها را مشمول عنوان و آثار و احکام مهریه برشمرد.

### نتیجه گیری

- ۱- اگر در روایات به کم بودن مهریه توصیه شده است، در قرآن امساک به معروف یا تسریح به احسان واجب گردیده است. با توجه به نظام قضایی ایران و مشکلاتی که زن در اثبات عسروخرج خود در دادگاه دارد، تنها راهی که اکنون برای جلوگیری از تضییع حقوق زنان موجود است، استفاده از مهریه است آن هم نه برای اینکه آن را وصول کنند بلکه برای اینکه مرد را وادار کنند علی‌رغم اینکه امساک به معروف نمی‌کند، با قبول بذل مهریه زن را طلاق دهد. لذا ایجاد هر گونه محدودیت در مهریه، نابرابری موجود بین زن و مرد را افزایش داده و باعث تضییع حقوق زنان و ظلم مضاعف به آنها می‌شود. نگاهی اجمالی به پرونده‌های موجود در دادگاه‌های خانواده و آراء صادره مؤید این نظر است.
  - ۲- ماده‌ی پیشنهادی به علت نواقصی که دارد، به هیچ وجه نمی‌تواند نظر قانون‌گذار را مبنی بر جلوگیری از حبس مردان به علت نپرداختن مهریه تأمین کند مگر اینکه مهریه‌ی متعارف به اندازه‌ای باشد که افراد فقیر جامعه هم توانایی پرداخت آن را داشته باشند که در این صورت دیگر نمی‌توان آن را مهریه‌ی متعارف تلقی کرد.
  - ۳- از آنجا که مشکل حقیقی ازدواج در حال حاضر، مهریه‌ی سنگین و حبس مرد به علت نپرداختن آن نیست، لذا دخالت قانون‌گذار در این مقوله توجیهی ندارد.
  - ۴- نتایج حاصله از این تحقیق مویب این مطلب است که از نظر فقهی و حقوقی و به استناد قواعد عمومی قراردادهای می‌توان برای حل این مشکل راه‌حل حقوقی ارائه کرد و عنوان داشت در صورتی که مبلغ مهر رقم سنگین و غیرمتعارفی را تشکیل دهد که ایفای آن غیرمقدور باشد، یا اراده جدی در پذیرش یا اجرای آن وجود نداشته باشد، یا میزان آن آنقدر زیاد باشد که از دید عرف پذیرش چنین تعهدی عقلایی نباشد، می‌توان میزان مهریه را با توجه به سه قاعده مقدورالتسلیم بودن، قصد جدی داشتن در توافقات و عقلایی بودن، محدود به حدودی که مقدور و متعارف باشد نمود.
- با این اوصاف حذف ماده‌ی ۲۵ لایحه‌ی حمایت از خانواده و تبصره‌های آن پیشنهاد می‌شود.

## منابع

۱. اقبالی، محمد، (۱۳۸۷)، کاهش و افزایش مهر در نکاح، مقاله، ماهنامه کانون وکلای دادگستری، شماره ۸۷، تهران.
۲. امامی، سیدحسن، (۱۳۷۲)، حقوق مدنی، جلد ۱، انتشارات اسماعیلی، تهران.
۳. امیر احمدی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، نظام مالی خانواده، جلد ۱، نشر میزان، تهران.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، دانشنامه حقوقی، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، انتشارات گنج دانش، تهران.
۶. درویش، بهرام، (۱۳۸۹)، دامنه ی حق حبس زوجه در رویه‌ی دیوان عالی کشور، مقاله، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۲، تهران.
۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۸. شهری، غلامرضا، (۱۳۸۸)، مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، نشر میزان، تهران.
۹. عرفانی، توفیق، (۱۳۸۷)، مهریه در رویه قضایی، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی خانواده، جلد اول، انتشارات بهمن، تهران.
۱۱. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۸۴)، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۰)، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، چاپ دوم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
۱۳. موسوی بجنوردی، سیدمحمدحسین، (۱۳۸۹)، القواعد الفقهیه، جلد اول، انتشارات مهدی، تهران.
۱۴. میرزایی، علیرضا، (۱۳۸۶)، محشی مجموعه قوانین و مقررات حقوقی، جلد اول، انتشارات بهنامی، تهران.

## Legal and Juristic Investigation of Dowry variability

Siavash Saberi, Amir Mohammad Afradi, Farid Ghaderi

*M.A student, Islamic Azad University, Branch of Semnan, Semnan, Iran.*

---

### Abstract

Very high and unconventional amounts of dowry have been increasing considerably in recent years, and dowry has actually led to an increase in the divorce rate instead of strengthening the family relationships and giving rise to husbands' interest in wives. This issue can be investigated from various sociological, economic and cultural aspects. Meanwhile, couples determine the amount of dowry in different ways; in many cases, the married couples determine a definite amount of property as dowry during the conclusion of their marriage contracts; in some cases, the couples consider an increase in the amount of dowry to be contingent upon an action or subject to the fulfillment of a condition or within a certain period of time, and sometimes the reduction of dowry becomes contingent upon an action. However, it is possible to increase, change or decrease the amount of dowry after the marriage contract, provided that the couples have already agreed on it, just as it is possible for them to determine nothing for the dowry and become silent about it during the conclusion of the marriage contract or assign it to each one of the couple or to a third party in the future. In all these cases, the society conventionally recognizes such agreements and regards it as a dowry for the wife; and the judicial precedent relates the legal effect of dowry to these agreements in many cases. Offices of notary public have also accepted a specific legal framework to regulate such official documents for such contracts and act within that framework.

**Keywords:** contract, marriage contract, dowry, variability.

---